

دکتررنجبر، رئیس دانشگاه آزاد درگفت‌وگو با «فرهیختگان» به تحلیل فرامتن حوادث روزهای اخیر پرداخت. وی با تشریح کلان نقشه آمریکا و اسرائیل گفت: «هدف، به‌زائودرآوردن ایران بود که درنهایت این پروژه آمریکایی – صهیونیستی ناموفق ماند.» دکتررنجبر با اشاره به اینکه حوادث اخیر «روز سیزدهم جنگ ۱۲ روزه» بود، اظهار داشت: «اتاق فرماندهی اغتشاشات اخیر همان اتاق فرماندهی جنگ ۱۲ روزه بود.»

به گفته رئیس دانشگاه آزاد اسلامی «مطالبه اجتماعی درباره کاهش فشار اقتصادی مسئله غیرقابل انکاری است»؛ اما همان اتاق فرماندهی تصور می‌کرد مردم ایران اگر در جنگ ۱۲ روزه پشت نظام و رهبری ایستادند، در نقطه حساس مطالبه اقتصادی در طراحی دشمن بازی می‌کنند که بازهم چنین نشد. دکتررنجبر دراین‌گفت‌وگو اظهارداشت: «شیفت واضح و روشن از مطالبه اقتصادی به جنگ مسلحانه خیابانی، اعمال خشونت سازمان‌یافته به مردم و جامعه ایرانی این پیام را داد که مطالبه اقتصادی پوشش بوده است.»

به‌ اذعان رئیس دانشگاه آزاد، روایت‌هایی از این خشونت‌های خیابانی مطرح شده که با جنایت‌های داعش برابری می‌کند. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه ازنظر می‌گذارانید.

■ ■ ■

آقای دکتررنجبر اتفاقات ناگواری

در روزهای اخیر و به‌خصوص

در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی رخ

داده؛ تحلیل شما ازاین وقایع

چیست؟ به بیان دیگرفرامتن

این اتفاقات چه بوده

است و ما چگونه

باید این حوادث

را تحلیل کنیم؟

اگر بخواهیم

تصور دقیق

دکتررنجبر، رئیس دانشگاه آزاد درگفت‌وگو با «فرهیختگان» از وقایع اخیر، عمق آن و نقش دانشگاه می‌گوید

مردم ورهبری پیروزروز سیزدهم جنگ

از آنچه در روزهای گذشته در شهرهای مختلف ایران رخ داد، به دست دهم باید ببینیم آمریکا و رژیم صهیونیستی چه نقشه‌ای برای ایران اسلامی در نظر گرفته بودند. هر تحلیلی بدون درنظرگرفتن کلان‌نقشه آن‌ها به‌نوعی ناقص است. اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم باید کمی به قبل‌تر یعنی بازه جنگ ۱۲ روزه برگردم. در آن مقطع آمریکا و رژیم صهیونیستی چه در سر داشتند؟ آن‌ها ابتدا با هدف قراردادن فرماندهان نظامی، دانشمندان و مردم، قصد به‌زائودرآوردن ایران را داشتند. به‌این‌ترتیب که ابتدا با ترور ناجوانمردانه فرماندهان در حوزه تصمیم و اجرا به‌نوعی سیستم را به بن‌بست بکشاندند. آن‌ها گمان می‌کردند پس از این اقدام مسردم ایران در قبال این رفتار آنان همراهی می‌کنند؛ اما خطای محاسباتی، آن‌ها را به هدف خود نرساند. بنابراینسن ما نباید دوره جنگ ۱۲ روزه را فراموش کنیم. وقایع پنجشنبه و جمعه یعنی ۱۸ و ۱۹ دی هم در ادامه همان مسیر بود و اینکه گفته می‌شود «روز سیزدهم جنگ ۱۲ روزه» به این دلیل است که اتاق فرماندهی اغتشاشات همان اتاق فرماندهی جنگ ۱۲ روزه است. لذا با یک کلان‌پروژه روبه‌رو هستیم که هدفش خود خود ایران است. آن‌ها می‌خواهند موجودیت ایران را از بین ببرند و اینکه شما دیدید روی مطالبات اقتصادی سوار شدند، هدف‌شان دلسوزی برای مردم ایران نبود، بلکه این تکه‌ای از پازل آن‌ها بود.

مسئله‌ای که این حوادث را پیچیده می‌کند، این است که ابتدای این حوادث بسا مطالبات اقتصادی بود؛ مطالباتی که باید شنیده می‌شد. مرزبندی بین مطالبه اقتصادی با دشمنان ایران چگونه رخ داد؟

مطالبه اجتماعی درباره کاهش فشار اقتصادی مسئله غیرقابل انکاری



روایت عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی از انفعال جامعهٔ نخبگان در برابر چالش‌های اصلی کشور

مواجههٔ فعال با مگاترندها را انتخاب نکردیم

بوتوانند آن را کند کنند. برای این کار آمادیم یک کار و سؤوال ساده طرح کردیم و گفتیم مؤسسات بین‌المللی، شرکت‌ها و کشورهای مهم دربارهٔ افق ۲۰۳۰ یا ۲۰۴۰ چه می‌گویند و چه چیزهایی را به‌عنوان مگاترند در تحلیل‌هایشان پذیرفته‌اند؟ شرط ما برای انجام کار این بوده که اولاً مطالعه از یک شرکت، مؤسسه یا کشور مهم باشد و دوم اینکه به‌صورت مستقیم ادعای مگاترند کرده باشند، زیرا مگاترندها را می‌توانید با گزارش‌های مختلف تحلیل کنید. به همین دلیل، ما چند شرکت را شناسایی کردیم که چنین شرایطی را تجربه کرده بودند. وقتی مگاترندها را بررسی کردیم، دیدیم موضوعات آن‌ها معمولاً روندهای متداخلی دارند؛ به این معنا که نباید صرفاً به مگاترندهای تکنولوژیک یا اقتصادی نگاه کرد. در گزارش‌ها نیز می‌بینیم اغلب موضوعات به‌صورت تلفیقی از حوزه‌های اجتماعی، تکنولوژیک و محیط‌زیست ارائه می‌شوند.

بنابراین ما هم یک لیست موضوعی طراحی کردیم که در آن، هر گزارش روی چند مگاترند تأکید دارد و نشان می‌دهد این مگاترندها چگونه در دוגانگی یا سه‌گانگی با هم تعامل و رخداد پیدا می‌کنند. مثلاً در مگاترند جامعه – سیاست برخی موضوعات فراوانی‌های بیشتری دارند؛ مثلاً تنش‌های قومی– مذهبی، افزایش نابرابری اجتماعی، پیری جمعیت و جوانی بیش از حد جمعیت در یک‌سری کشورها بیشتر وجود دارند تا جایی که در یک‌سری کشورهای آفریقایی مگاترند جوانی جمعیت داریم و در عمده کشورها پیری جمعیت داریم. از طرف دیگر هم مگاترند جامعه – سیاست و فناوری هم شامل پلتفرم آنلاین، کاهش اعتماد عمومی، کوآتوم و رسانه‌های ترکیبی است یا در مگاترندهای جامعه و فناوری هم شخصی‌سازی در مان، کاهش زمان اوقات فراغت، یادگیری مادام‌العمر موضوعاتی بوده که بسیار مطرح‌ خند. همچنین در کلان‌روندهای محیط‌زیست موضوعات بازیافت، تولید پایدار، تخریب اکوسیستم، افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کمبود آب که در اکثر تحلیل‌ها بوده‌اند. در موضوعات مرتبط با اقتصاد – سیاست و فناوری هم یک‌سری تم‌هایی وجود دارند که همگرایی در آن‌ها اتفاق می‌افتد.

وقتی گزارش‌های مگاترند را از نظر تعداد فراوانی جمع‌بندی می‌کنیم، مشخص می‌شود بیشتر آن‌ها به فناوری اختصاص نداشته‌اند. بیشترین تکرار مربوط به موضوعاتی است که



عمل می‌کنیم. به‌عبارت‌دیگر، آینده بودن نقش فردی و خلاقانه ماست و شهروند زمانه بودن نقش جمعی و اجتماعی ما. ارائه من درباره این بوده که ما باید درباره چه چیزهایی «هم آینده» و «شهروند مانه» باشیم؟ و این انتخاب ایستادن را کنار بگذاریم. موضوعی که به عقیده من جامعه نخبگانی ایرانی و افراد اصلی جامعه هر روز ایستاده‌تر می‌ایستند. در حقیقت این ماییم که انتخاب می‌کنیم آینده چگونه باشد، درست مانند مسئله زاینده‌رود که کماکان ایستاده‌ایم تا ادامه پیدا کند و در جاهای دیگر هم اتفاق بیفتد. من فرزند شهر بابل هستم و می‌بینم و منتظرم که شمال کشور هم چنین وضعیتی پیدا کند، زیرا اکنون چندین میلیون نفر قصد مهاجرت به شمال را دارند و تعداد زیادی از مردم نیز در شمال زندگی می‌کنند که باعث شده شرایط مشابهی برای رودخانه‌های گیلان و مازندران و حتی دریای خزر ایجاد شود. از طرف دیگر، حتی آلودگی هوا هم تا حدی نتیجه انتخاب‌های جامعه ایرانی است. البته من نمی‌خواهم نقش سیاست‌گذاری و حکمرانی را کم‌رنگ کنم؛ اما واقعیت این بوده که مادر مطالبات خود اصلاً این موضوعات را مطالبه اجتماعی نداریم؛ در حالی که آن‌قدر که نگران بحث فیلترینگ هستیم، نگران آلودگی هوا نیستیم و در این زمینه مطالبه نداریم. هرچند فیلترینگ هم موضوع مهمی است؛ اما من می‌خواهم بگویم حداقل اکنون که در کنار هم نشستیم بدانیم چه انتخاب‌هایی باید انجام دهیم. برای توضیح بهتر این موضوع می‌خواهم نگاهی درباره مگاترندها و نگاه چندسال گذشته و امروز خود به این موضوع داشته باشم.

یکی از موضوعات مهمی که ما در برنامه آینده‌نگاری به آن نگاه کرده‌ایم موضوع مگاترندهای جهانی بود و اینکه نه از نگاه خودمان، بلکه از نگاه دیگران بدانیم مگاترندها اکنون به‌عنوان چه چیزی در دنیا شناخته می‌شوند؟ همه ما مگاترندها و اهمیتشان را می‌شناسیم و می‌دانیم آن‌قدر که ما فکر می‌کنیم یک شرکت یا مجموعه به‌راحتی تأثیرگذار نیست که بتواند مگاترندها را تغییر دهد و در نهایت اغلب آدم‌ها، کشورها

و سازمان‌ها در بستر مگاترندها حرکت می‌کنند و میزان انعطاف‌پذیری حرکتشان را هم مگاترندها معلوم می‌کنند؛ کسی هم نمی‌تواند بگوید که من این مگاترند را تغییر می‌دهم، زیرا مگاترندها موضوع تجمعی جهانی‌س بوده که حتی کشورهایی پیشرفته هم به‌راحتی نمی‌توانند آن‌ها را تغییر دهند و فقط ممکن بوده

عملیات مسلحانه دشمن در خیابان‌های کشور بود؛ چراکه ایشان با نشان دادن پشت صحنه و با قدرتی که فقط در رهبری دینی می‌توان مشاهده کرد، جامعه را حول مفهوم منافع ملی وحدت بخشیدند. نقطه اوج موفقیت موضوع ظهر جمعه رهبر انقلاب اسلامی در راهپیمایی عظیم دوشنبه ۲۲ دی در سراسر ایران بود، یعنی در زمانی کوتاه میدان توسط مدافعان امنیت تغییر کرد و بعد حرکت وحدت‌بخش ملت ایران عصر دوشنبه ذهنیت خودی و دشمنان را تغییر داد و همان‌طور که ایشان در پیام خود تأکید کردند این حرکت مردم به‌نوعی باطل السحر نقشه‌شوم دشمن برای تجزیه ایران بود. به نظر من تاریخ ایران به عقلا نیت، ایستادگی و اراده رهبر انقلاب و ملت ایران در این مقطع تاریخی افتخار خواهد کرد.

آقای دکتر هر حادثه اجتماعی معمولاً یک یا در دانشگاه هم دارد و در این حوادث هم دیدیم که گویا نقشه‌های ویژه‌ای برای نقش آفرینی دانشگاه دیده شده بود. متأسفانه برخی استادان و دانشجویان در این حوادث به شهادت رسیدند. چه پیامی برای دانشگاهیان دارید؟

ابتدا به این نکته تأکید کنم که جامعه دانشگاهی امروز عذاًدر زخم این جنگ مسلحانه است؛ چندین تن از استادان و دانشجویان توسط عوامل مسلح موساد به شهادت رسیدند. شهادت برخی واقعاً مظلومانه بود و اوج رذالت آن‌ها را نشان می‌داد. عضو هیئت علمی ما را که برای تهیه داروی دخترش به داروخانه رفته بود به شهادت رساندند. خلاصه باید عرض کنم خانواده بزرگ دانشگاه آزاد اسلامی داغدار جنایت‌های داعش‌طور مزدوران فارسی‌زبان اسرائیل شده است؛ من نمی‌گویم ایرانی، بلکه آن‌ها صرفاً فارسی‌زبان هستند. دانشگاه آزاد اسلامی مطابق آنچه در این چندسال فرمان رهبر انقلاب را سرلوحه کار خودش قرار داده، همچنان مأموریت دفاع از کیان انقلاب را با همراهی استادان و دانشجویان همگام با حرکت ملت ایران فراموش نمی‌کند. این مقطع تاریخی فراموش‌شدنی نیست. ما می‌دانیم هدف دشمن نابودی ایران و از بین بردن این ملت یکپارچه است؛ دانشگاه هم به پشتوانه قدرت نگاه کلان و همه‌جانبه‌اش وظیفه دارد اولاً دست دشمن در پشت‌صحنه جنگ مسلحانه اخیر در خیابان‌ها را رو کند و ثانیاً با تمام قوا از کیان ملی خود دفاع کند. ما و استادان و دانشجویان دانشگاه در این زمینه وظیفه داریم.

ترکیبی از اقتصاد، سیاست و جامعه بوده‌اند؛ به‌عبارت‌دیگر، موضوعاتی مانند اقتصاد – سیاست – جامعه و جامعه – سیاست – فناوری پرتکرار بوده‌اند و تم‌های بیشتری را شامل شده‌اند. از طرف دیگر، موضوعاتی مانند محیط‌زیست با وجود اهمیت بالایی که دارند، در مطالعات جهانی تم‌های کمتری داشته‌اند؛ اما موضوعات پراهمیت و تأثیرگذار زیادی در آن‌ها مطرح شده است. اما جالب اینجاست وقتی به این موضوعات نگاه می‌کنیم به‌صورت اتفاقی دوشاخه جدا می‌شوند؛ یعنی دوغانه‌ای که در اقتصاد – جامعه به سمت جلو حرکت می‌کنیم؛ بیشترین فراوانی را تم سیاست و فناوری دارند، یعنی جنس صحبت‌هایی که می‌شود از جنس سیاست یا فناوری‌اند که نشان می‌دهد حاکمیت سهم مهمی در آینده دارد. همچنین در اولین مطالعات سال ۱۳۹۶ به این نتیجه رسیدیم بودیم که در کلان‌روندها کلمه هوشمند و هوش مصنوعی آن‌قدر پررنگ نبوده؛ اما کلمه هوشمند – دیجیتال پایدار از این واژه‌ها ایجاد شد و اتفاقاً ستاد آی‌سی‌تی که دکتر محمدی مسئولیت آن را برعهده داشتند براساس همین مطالعه به ستاد دیجیتال و هوشمندسازی تبدیل شد تا بتوانیم با این مسیر همراهی کنیم. اکنون که این مطالعات را به سمت جلو پیش می‌بریم و مگاترندها را طبقه‌بندی می‌کنیم، متوجه می‌شویم همپوشانی‌هایی بین دیجیتال و پایداری و همچنین بین دیجیتال و هوشمندسازی وجود دارد. جالب اینکه در این همپوشانی‌ها، وزن هوش مصنوعی نسبت به هوشمندسازی پرتنگ‌تر است. سه کانسبت اصلی وجود دارد که امروزه جامعه از نظر پایداری با آن‌ها به‌شدت مواجه است. از طرف دیگر، دیجیتال شدن تنها به مسائل اقتصادی مرتبط است، بلکه شامل مفاهیمی مانند دنیای دیجیتال و هوشمندسازی نیز می‌شود و این موضوعات در همپوشانی‌های اصلی مگاترندها به‌وضوح دیده می‌شوند. یعنی این‌ها سه کانسبت بوده که مسیر را با همان مفهوم جلو می‌برد. از طرفی محیط‌زیست هم به‌عنوان موضوعی بوده که از نظر تعداد مگاترندها کم‌رنگ‌تر است؛ اما کشورها زمانی متوجه اهمیت آن می‌شوند که به آن در ارتباطند. در این میان به یک‌سری محصولات فناوری به‌عنوان کلان‌روندهای اولویت‌دار اشاره شد که اتفاقاً هوش مصنوعی و ۵G به‌عنوان زیرساخت در آن بخش قرار دارد.

در حقیقت، سؤالی که با بررسی مطالعات و تم‌ها مطرح می‌شود این است که جامعه خیرگان ما تا چه حد با این مفاهیم آشناست و چه درصدی از آن‌ها را تابه‌حال نشنیده است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد موضوعاتی که ما در سمینارها و کلاس‌های درس، به‌ویژه در حوزه تکنولوژی، نشنیده یا نمی‌شناسیم، بسیار اندکند. مسئله این است که ما آگاهانه تصمیم گرفته‌ایم بایستیم و سراغ این مباحث نرویم. به‌عنوان نمونه، دانشگاهی، کارآفرین یا عضو دولت و مردم، ما به شکل آگاهانه یا حتی گاهی ناخواسته مسیر مواجهه با این موضوعات را انتخاب نکرده‌ایم. اخیراً که به دبی رفتم هم دیدم که بحث‌های آینده‌نگارانه آن‌ها همین موضوعات است؛ تفاوت سر دانشن نیست، بلکه تفاوت سسر انتخاب ما بوده که می‌خواهیم با این آینده‌ای که تقریباً مفاهیم آن حتی در کانسبت کلی دیجیتال و هوشمند پایدار که هشت سال گذشته بوده و چندان تغییر نکرده و روشن است به‌صورت فعال با آن روبه‌رو شویم یا خیر. درحالی‌که برداشت من این بوده که ما انتخاب فعال را برگزیده‌ایم.